صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

مواد مخدر

کشف ۴۰۰ بسته هروئین از معده ۳ قاچاقچی

رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر استان اصفهان از کشف ۴۰۰ بسته هروئین از معده ۳ قاچاقچی در اصفهان خبرداد. به‌گفته سرهنگ احمد نیکبخت، متهمان سوار یک خودروی سواری بودند که مورد ظن پلیس قرار گرفتند و از معده آنها ۴۰۰ بسته حاوی ۳ کیلوگرم هروئین کشف شد.

اهدای عضو

دختر نوجوان، فرشته نجات شد

اعضای بدن دختر نوجوان ۱۵ساله که در مشهد دچار مرگ مغزی شده بود، به ۷ بیمار نیازمند عضو زندگی دوباره بخشید. این دختر نوجوان معصومه خاک‌سفیدی نام داشت که با رضایت خانواده‌اش کلیه‌ها، کبد، قلب و همچنین قرنیه‌های او به بیماران نیازمند پیوند عضو اهدا شد.

خانواده آی‌نور، هلنا و امیرحمزه چشم‌انتظار خبری از عزیزانشان هستند

سرنوشت نامعلوم ۳ کودک گمشده

گزارش

محمد جعفری
روزنامه‌نگار

روزها از مفقود شـدن ۳ کودک در لرستـان، اصفهان و سیسـتان و بلوچستان می‌گذرد و با وجود تلاش تیم‌های جست‌وجو هیچ ردی از آنها به‌دست نیامده است. حالا با طولانی شدن عملیات جست‌وجو مهم‌ترین سؤال این است که چه بر سر این ۳ کودک آمده و این‌که در چه شرایطی به‌سرمی‌برند.

به‌گزارش همشهری، تازه‌ترین کودک گمشده آی‌نور نظری نام دارد که از ۱۸ مرداد امسـال از مقابل خانه‌شان در روسـتای ده‌سفید حاج درویش از توابع مرکزی شهرستان الیگودرز به طرز عجیبی ناپدید شده و هیچ‌کس از سرنوشت او اطلاعی نـدارد. آن روز عصر حدود سـاعت ۱۷:۳۰ مادرش لباس‌هـای او را عوض کرد و قرار بود که با هم از خانه بیرون بروند. در حیاط باز و دختربچه جلـوی در منتظر مادرش بود. اما چند دقیقه بعد وقتـی مادرش جلوی خانه آمد دخترش را ندید. چند مرتبه آی‌نور را صدا کرد، اما جوابی نگرفت. چند قدم در کوچه دنبال دختربچه رفت، اما خبری از او نبود. زن کم‌کم دلشـوره گرفت و دوان‌دوان چند مرتبه کوچه را بالا و پایین رفت، امـا هیچ‌کس دختربچه را ندیده بود و از او خبری نداشـت. او با فریاد از همسایه‌ها و اهالی روستا کمک خواست و چند دقیقه بعد همه باخبر شـدند که آی‌نور ۲ساله گم شده است.

زمانی که هوا کم‌کم رو به تاریکی می‌رفت پای پلیس و امدادگران هلال‌احمر به روستا باز شد. آنها با کمک اهالی روستا وجب به وجب روستا را جسـت‌وجو کردند، اما نتوانسـتند ردی از دختربچه گمشده پیدا کنند. آن شب عملیات جست‌وجو تا پاسی از شب ادامه پیدا کرد و صبح روز بعد با کمک ۵ قلاده سگ زنده‌یاب، پهپاد، تیم‌های جسـت‌وجوی موتوری و... عملیات با وسعت بیشتری ادامه پیدا کرد. امدادگران در شـرایطی تلاش می‌کردند که نشانی از آی‌نور به‌دست آورند که پدر و مادرش برای او بی‌قراری می‌کردند. مادرش دلواپس دختر کوچولویش بود و نمی‌دانست ۲ شـبی که او در خانه نبوده، در چه شرایطی قرار داشته است. آب و غذایی خورده؟ توانسته اسـتراحت کند؟ کسی او را اذیت نکرده؟ در این وضعیت دیروز (شـنبه) جست‌وجوها با پرواز بالگرد هلال‌احمر بر فراز منطقه ادامه پیـدا کرد و امدادگـران از همه توان‌شان برای یافتن دختربچه استفاده کردند، اما تا عصر دیروز فقط توانستند کفش‌های او را در نزدیکی خانه‌شان پیدا کنند.

۲ فرضیه مهم

امیر سرلک، رئیس شورای روستا در این‌باره به همشهری می‌گوید: هلال‌احمر، پلیس، سپاه و همه ارگان‌ها همه توان‌شان را برای پیدا کردن دختربچه به‌کار گرفته‌انـد و امیدواریم که زود بتوانیم او را پیـدا کنیم و پدر و مـادرش را از نگرانی نجات دهیم. او ادامه می‌دهد: در روز سوم ۲ فرضیه درباره مفقود شدن آی‌نور مطرح شده است. به‌دلیل اینکه او سن کمی دارد و جثه‌اش کوچک است نمی‌توانسته آنقدر از خانه دور شود و به‌احتمال زیاد یا ربوده شده یا اینکه حیوانات وحشی او را با خود برده‌اند. او ادامه می‌دهد: جاده اصلی از حاشیه روستای ما رد می‌شود و خانه دختربچه با جاده فاصله کمی دارد. ممکن است دختر بچه نزدیک جاده رفته باشـد و در آنجا کسی او را با خود برده باشد. اخیرا چند گرگ در روستا دیده شده و چند لانه گرگ هم در اطراف روستاست. ممکن اسـت گرگ دختربچه را با خود برده باشد. درهرحال امیدواریم که آی‌نور سلامت باشد و زودتر به خانه برگردد.

در جست‌وجوی هلنا

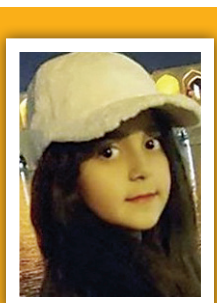

کودک دیگری که همچنان جست‌وجوها برای یافتنش ادامه دارد هلناسادات احمدی نام دارد؛ دختر ۱۱ ساله اهل اصفهان که از دهم خرداد امسال در پارک ناژوان اصفهان مفقود شده و تاکنون هیچ ردی از او به‌دست نیامده اسـت. آن روز او همراه خانواده‌اش برای تفریح به این پارک رفته بود و دختر نوجوان برای دقایقی از خانواده دور شـده تا هیزم جمع کند، اما دیگر برنگشت. اعضای خانواده وقتی دیدند خبری از هلنا نشده همه جا پارک را برای پیدا کردنش زیرورو کردند و از پلیس هم کمک خواستند، اما فایده‌ای نداشت و هیچ ردی از او به‌دست نیامد. آنها در ادامه تصاویر هلنا را در فضای مجازی منتشر کردند و از مردم برای یافتن او کمک خواستند؛ اقدامی که با گذشت ۷۰ روز از ناپدید شدن دختر نوجوان هنوز به نتیجه نرسیده و هیچ‌کس نمی‌داند دختر ۱۱ ساله کجاست و چه وضعیتی دارد.

پدر هلنا درباره آخرین تلاش‌ها برای پیدا کردن او به همشهری می‌گوید: پلیس هنوز به‌دنبال پیدا کردن دخترم است و می‌دانم که آنها همه تلاش‌شان را انجام می‌دهند. آنها فرضیه‌های مختلفی را بررسی کرده‌اند، اما هر وقت پیگیری می‌کنم می‌گویند تا وقتی چیزی قطعی نشود نمی‌توانند اطلاع‌رسانی کنند. ما هم منتظریم و توکل به خدا کرده‌ایم تا دخترم پیدا شود.

امیرحمزه و هفته‌ها بی‌خبری

کودک دیگری کـه هفته‌هـا از مفقود شدنش می‌گذرد و خانواده‌اش همچنان چشم‌انتظار او هستند امیرحمزه نام دارد؛ پسر ۹ ساله بلوچ اهل نیکشهر که از اواسط تیرمـاه در کوه‌های آهـوران در جنوب سیستان و بلوچستان مفقود شده است. هرچند اطلاعات دقیقی درباره چگونگی مفقود شـدن او وجود ندارد، اما او هم از خانه خارج شده و به‌سوی کوه‌های آهوران رفته و دیگر برنگشته و معلوم نیست به چه سرنوشتی دچار شده است. بعد از آن بود که با درخواست خانواده‌اش تیم‌های امدادی و پلیس برای پیدا کردنش بسیج شدند، اما این تلاش‌ها هنوز به نتیجه نرسیده است. در جریان جست‌وجوها بیش از ۲۰۰ نفر نیروی مردمی و هلال‌احمر برای یافتن امیرحمزه تلاش کردند و حتی از بالگرد و سگ‌های زنده‌یاب نیز استفاده شد. با وجود بی‌نتیجه بودن این تلاش‌ها، اما همچنان خانواده امیرحمزه چشم‌انتظار فرزندشان هستند.

نقشه اخاذی از وکیل، عروس سارق را لو داد

دادسرا

تازه‌عـروس که با همدسـتی تازه‌داماد، دسـت به سـرقت لـوازم داخل خودروهـا می‌زد، زمانی که قصد اخاذی ۵ هزار دلاری از یک وکیل دادگستری را داشت لو رفت.

به گزارش همشـهری، چندی قبـل دزدان به خودروی یک وکیل جوان دستبرد زدند و کیف او را که حاوی اسناد و مدارک مهمی بود به سرقت بردند. وقتی پلیس در صحنه سـرقت حاضر شد، معلوم شـد که سـارق یک زن بوده که شیشه ماشین آقای وکیل را شکسته و کیف او را دزدیده اسـت. درحالی که ۲۴ ساعت از این سرقت می‌گذاشـت، زن سارق با مالباخته تماس گرفـت و در ازای پـس‌دادن مـدارک و اسـنادش، درخواسـت ۵ هزار دلار کرد. به این ترتیب پلیس در جریان قرار گرفت و زن سـارق در یک قـرار صوری، درحالی که بـرای گرفتـن دلارها به پارکی در غرب تهـران رفته بود دستگیر شـد. او اعتراف کرد که با همدسـتی همسـرش که ۶ماه پیش با او ازدواج کرده از خودروها سرقت می‌کردند و با اعتراف او، شوهرش نیز دستگیر شـد و حالا زن جوان که ترانه نام دارد و ۲۹ ساله اسـت در گفت‌وگو با همشهری از سرقت‌هایشان می‌گوید.

اولین بار است که دستگیر می‌شوی؟

بله. من اهل این حرف‌ها نبودم. در یک خانواده درست و حسابی بزرگ شده‌ام، اما آشنایی با نیما مسیر زندگی‌ام را تغییر داد و به پیشنهاد او بود که وارد این بازی شدم.

پرونده شوهرت سیاه است. می‌دانستی او یک مجرم سابقه‌دار است؟

من می‌دانسـتم، اما خانواده‌ام خبر نداشتند. آنها فکر می‌کردند که او در مغازه پدرش کار می‌کند.

با نیما چطور آشنا شدی؟

پدر من سـوپرمارکت دارد و مـن آنجا کار می‌کردم. نیما هم برای خرید به آنجا می‌آمد و کم‌کم آشنایی ما شکل گرفت.

کی متوجه شدی که خلافکار است؟

من هر از گاهی برای تفریح و لاغری شیشـه می‌کشـیدم. او هم معتاد بـود. گاهی با هم می‌رفتیم پاتوق موادفروشـان و شیشـه می‌خریدیم، اما کم‌کم فهمیدم که او سرقت هم می‌کند.

با وجود این با او ازدواج کردی؟

عاشقش شده بودم.

چند وقت است که سرقت می‌کنید؟

۶ماهی می‌شود. از فردای عروسی‌مان. آخر ما ۶ماه است که با هم ازدواج کرده‌ایم.

با چه شگردی سرقت می‌کنید؟

سـرقت را نیما به من یاد داد. خودش می‌نشست سـوئیچ می‌ساخت که به اصطلاح به آن می‌گفتند شـاه کلید. بعد با آن می‌رفت ماشین‌ها را سرقت می‌کرد. با ماشـین‌های سرقتی در خیابان‌ها می‌چرخیـد. حتی با آن کورس هم می‌گذاشت، چون نیما عشق سرعت دارد. بعد رفته‌رفته به من یاد داد که چطور سـرقت کنم. من هم چون باهوش هستم، خیلی زود از او یاد گرفتم. شـگردمان ابتدا ساخت یا خرید شاه‌کلید بود. بعد به من یاد داد که با الماس شیشه‌بر، شیشه ماشین‌ها را بشکنم و هرچه را که داخل آن است به سرقت ببرم.

با خودروهای سرقتی چه می‌کردید؟

گفتم که می‌چرخیدیم و کورس می‌گذاشتیم. بعد که بنزینش تمام می‌شـد ماشین را رها می‌کردیم و لوازم داخـل خودرویی را که به سرقت برده بودیم، می‌فروختیم.

همیشه با هم سرقت می‌کردید؟

به جز سرقت خودروی آقای وکیل.

چرا آن روز تنهایی رفتی سرقت؟

نیما برای فروش وسایل سـرقتی رفته بود و من که حوصله‌ام سر رفته بود، تصمیم گرفتم به تنهایی سـرقت کنم. البته می‌خواستم به نیما ثابـت کنم که یک سـارق حرفه‌ای شـده‌ام و می‌تواند روی من حسـاب کند. درواقع می‌خواسـتم مقابل او کـم نیاورم و یک‌جورهایی خودنمایی کنم. به همین دلیل با الماس شیشه‌بر راهی سرقت شدم. چون دیده بودم گاهی نیما با الماس، شیشه ماشین‌ها را می‌شکند و خودرو را به سرقت می‌برد.

اما خودرو را سرقت نکردی؟

فرصت نکردم، همین که شیشه را بریدم و در را باز کردم دزدگیر به صدا در آمد و من که ترسیده بودم فقط کیف داخل آن را برداشتم. بعد متوجه شدم که داخل کیف، اسناد و مدارک مهم است. پای برگه‌ها شماره وکیل را به‌دست آوردم و به صاحب ماشین زنگ زدم تا از او اخاذی کنم، اما خب آخرش همه چیز را خراب کردم و باعث شد لو برویم. حالا حتما نیما شوهرم خیلی از دستم عصبانی است و مرا تحقیر خواهد کرد که چرا درست کارم را انجام ندادم و باعث شدم لو برویم و دستگیر شویم.

پلیس در تعقیب قاتل مسلح

پلیس برای دستگیری مردی که به‌دنبال اختلافات مالی ۲ نفر را در یکی از روستاهای مرزی ارومیه به ضرب گلوله به قتل رسانده است، از مردم کمک خواست.

به گزارش همشهری، هفته گذشـته مأموران پلیس بخش انزل در استان آذربایجان غربی در جریان یک تیراندازی مرگبار در یکی از روستاهای مرزی قرار گرفتند و راهی آنجا شدند. با حضور مأموران در محل معلوم شد که در جریان این تیراندازی ۲ مرد به قتل رسـیده‌اند و عامل جنایت اقدام به فرار کرده است. در ادامه تحقیقات معلوم شد که این جنایت بر سر اختلافات مالی رخ داده است. آنطور که شواهد نشان می‌داد عامل جنایت از مدتی قبل بر سر ملک با قربانیان دچار اختلاف شده بود و این اختلافات بارها به مشاجره و درگیری میان آنها انجامیده بود. درنهایت نیز وی با در اختیار داشتن یک قبضه اسلحه سـراغ قربانیان رفته و به ضرب گلوله آنها را به قتل رسانده و گریخته بود. با این اطلاعات دستور بازداشت قاتل فراری صادر شد و تیمی از کارآگاهان راهی محل زندگی او شدند اما وی بدون برجا گذاشتن سرنخی از خود متواری شده بود و خانواده‌اش مدعی بودند که هیچ خبری از او ندارند.

به‌گفته سرهنگ صادق شـکری، رئیس پلیس آگاهی آذربایجان غربی، با توجه به اینکه تحقیقات همچنان از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی ادامه دارد دستور بدون پوشش عکس متهم از سوی قاضی شعبه اول دادگاه عمومی بخش انزل جهت شناسایی از سوی شهروندان صادر شده است.

سرهنگ شکری از شهروندان خواست هرگونه اطلاع از مخفیگاه قاتل فراری را فورا از طریق تلفن‌های ۱۱۰ و یا ۰۴۴۲۱۸۲۳۱۶۸ با پلیس آگاهی استان آذربایجان غربی در میان بگذارند.

تصویر متهم با مجوز قضایی منتشر می شود

آن سوی مرز

راز ۴۷ ساله قاتل سریالی فاش شد

۴۷ســال پس از قتل سـریالی ۳ زن در لس‌آنجلس آمریکا، کارآگاهان با کمک دی‌ان‌ای موفق شدند عامل این جنایت را شناسایی کنند.

به گزارش همشـهری به نقل از لس‌آنجلس تایمز، در سال ۱۹۷۷ پیدا شدن جسد ۳ زن جوان که همگی بر اثر خفگی به قتل رسیده بودند، پلیس لس‌آنجلس را با معمای قتل‌های سریالی روبه‌رو کرد.

یکی از قربانیان زنی به نام فریتز بود که جسدش در اتاقی در یک مهمانخانه پیدا شد. ۴ماه بعد جسـد زن دیگری به نام سانچز در مهمانخانه دیگری در این شهر پیدا شد و در آخرین روزهای زمستان همان سال جسد زنی به نام رودریگز روی پلی در حوالی لس‌آنجلس کشف شد.

بررسی‌های پلیس نشـان می‌داد که عامل همه این قتل‌ها یک نفر اسـت چرا که هر ۳ قربانی بر اثر خفگی کشته شده بودند و تمامی آنها زنانی روسـپی بودند که به‌نظر می‌رسید قربانی فردی متجاوز شـده‌اند. هر چند پلیـس اطمینان داشت که تمامی این قتل‌ها توسـط یک نفر صورت گرفته اما تا سال‌ها هیچ سرنخی از قاتل به‌دست نیامد. با این حال خانواده قربانیان امیدوار بودند که با دستگیری قاتل، شاهد اجرای عدالت درباره او باشند. درحالی که ۴۷ سال از این قتل‌ها می‌گذشت، مدتی قبل کارآگاهان پلیس لس‌آنجلس تصمیم گرفتند بار دیگـر تحقیقات در این پرونده قدیمی را از سـر بگیرند. آنها دی‌ان‌ای قاتل را که در صحنه قتل‌ها به جا مانده بود در بانک ژنتیک آمریکا ثبت کردند و به این ترتیب نخستین سرنخ به‌دست آمد. دی‌ان‌ای ثبت شده با دی‌ان‌ای یک زندانی در کارولینای شمالی مطابقت داشت. مرد زندانی وارن لوتر الکساندر نام داشت. مردی ۷۳ ساله که به اتهام قتل یک زن در کارولینای شمالی دسـتگیر و زندانی شده بود. بررسی‌ها نشان می‌داد که الکساندر بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ راننده کامیون بـوده و بارها به کالیفرنیـا و لس‌آنجلس رفت‌وآمد داشته است. به این ترتیب اسرار قتل‌های سریالی لس‌آنجلس بعد از ۴۷ سال رازگشایی شـد و این مرد از زندان کارولینای شمالی به کالیفرنیا منتقل شد تا درباره قتل‌های سریالی از او تحقیق شود. پلیس عقیده دارد که الکساندر نه‌تنها قاتل ۳ زن در لس‌آنجلس است، بلکه احتمالا قتل‌های دیگری در سایر ایالات آمریکا نیز مرتکب شده و حالا تحقیقات درباره جنایات او ادامه دارد.

انتظامی

دختر ۱۳ ساله خودش را ربود

همه تصور می‌کردند که آدم‌ربایان دختر نوجوان را ربوده‌اند و قصد اخاذی ۵ میلیاردی از خانـواده‌اش را دارند غافل از اینکه ماجرا یک آدم‌ربایی ساختگی بود.

به گزارش همشهری، چندی قبل خانواده دختری ۱۳ ساله نزد پلیس رفتند و از ربوده شدن وی خبر دادند. پدر او گفت: دخترم بهار برای انجام کاری از خانه بیرون رفته بود اما چند ساعت بعد پیامکی به گوشی من ارسال شد با این مضمون که «دخترتان را گروگان گرفته‌ایم و اگر ۵ میلیارد تومان تهیه نکنید، جانش را می‌گیریم.»

این مرد ادامه داد: پیامک از موبایل دخترم ارسـال شده بود و وقتی تماس گرفتم مردی تهدید کرد که اگر پلیس را در جریان قرار بدهم جان دخترم را می‌گیرد. من صدای گریه و فریادهای دخترم را می‌شنیدم و همان لحظه تصمیم گرفتم برای نجات او از پلیس کمک بگیرم.

ماموران از پدر این دختر خواستند برای تحویل پول با آدم‌ربایان قرار صوری بگذارد. به این ترتیب پسری جوان که برای گرفتن پول به محل قرار رفته بود از سـوی پلیس دستگیر شد. او که شایان نام دارد اعتراف کرد که آدم‌ربایی سـاختگی بوده و او و بهار عاشـق هم هسـتند و با این ترفند قصد ازدواج با هم را داشته‌اند. وی گفت: می‌خواستم به خواستگاری بهار بروم اما می‌گفت خانواده‌اش با این ازدواج مخالفت می‌کنند. برای همین نقشه آدم‌ربایی ساختگی و اخاذی ۵ میلیاردی از خانواده‌اش را کشیدیم تا پس از به دسـت آوردن این پول به خارج از کشور برویم و زندگی مشترکمان را شروع کنیم. پس از اظهارات این پسر جوان، مأموران راهی خانه‌ای شدند که بهار در آنجا حضور داشت و او را تحویل خانواده‌اش دادند.

داخلی

چرا سرقت در تهران کم شد؟

دادسـتان تهران از کاهش ۱۸ درصدی وقوع سرقت در تهران در ۴ماه نخست سال جاری نسبت به‌مدت مشابه سال قبل خبر داد.

به‌گزارش همشـهری، علی صالحی در جلسه قرارگاه پیشگیری از سـرقت دادسـتانی تهران، گفت: براسـاس گـزارش پلیس فاتب، در ۴ماه نخسـت امسـال در مقایسـه با مدت مشابه در سـال گذشـته آمار وقوع سـرقت در تهران ۱۸ درصد کاهش داشته که این کاهش در حوزه سـرقت خودرو، موتورسیکلت و کیف قاپی بوده است.

دادسـتان تهران با اشـاره به اینکه براساس دسـتورات قضایی صادر شده و پیگیری‌های صورت گرفته از سوی دادستانی تهران، اجرای طرح‌های متعددی برای کاهش جرائم سرقت در پایتخت در دستور کار پلیس آگاهی فاتب قرار گرفته است، گفت: در نتیجه اجرای طرح هوشمند پابند الکترونیک، طرح شناسایی و دستگیری سارقان و مالخران و همچنین ایجاد و راه‌اندازی گشت‌های هدفمند در سطح پلیس پیشگیری و آگاهی، بحمدلله کاهش ۱۸ درصدی جرم سرقت در سطح تهران بزرگ را شـاهد هستیم. اما کاهش سرقت در پایتخت چطور رقم خورد؟ در ادامه مهم ترین اقدامات انجام شده در این زمینه آمده است.

طرح هوشمند پابند الکترونیک

کنترل هوشمند سارقان سابقه‌دار با پابندهای الکترونیک یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش سرقت است. با اجرای این طرح مجرمانی که ۴ سابقه کیفری دارند هنگام آزادی از زندان از پابند الکترونیک استفاده می‌کنند تا رفتارشان رصد شود.

طرح دستگیری سارقان

اخیرا یکی از رویکردهای پلیس زیرنظر گرفتن سارقان حرفه‌ای است. یکی دیگر از دلایلی که باعث کاهش آمار سرقت شده، کنترل سارقان حرفه‌ای است.

راه‌اندازی گشت‌های هدفمند

پدیده سرقت یکی از دغدغه‌های اصلی شهروندان است که افزایش آن در جامعه با افزایش احساس ناامنی ارتباط مستقیم دارد. یکی از راهکارهای پلیس برای مبارزه با سرقت، اجرای طرح برخورد با سارقان و راه‌اندازی قرارگاه مبارزه با سرقت و گشت‌های هدفمند است.

دستگیری اراذل و اوباش

جمع‌آوری اراذل و اوباش یکی دیگر از عوامل کاهش وقوع سرقت در تهران است. گاهی افرادی که سابقه درگیری و شرارت دارند، برای خودنمایی و نشان دادن خود، دست به سرقت‌های خشن می‌زنند. دستگیری این افراد موجب شده که در ۴ماه ابتدایی امسال آمار وقوع سرقت نسبت به‌مدت مشابه سال قبل کاهش داشته باشد.

دستگیری اتباع غیرمجاز

برخی از سـرقت‌های پایتخت از سوی مهاجران غیرمجاز صورت می‌گیرد. افرادی که مجوز قانونی برای زندگی در ایران را ندارند و چون هیچ وابستگی به محلی که در آن زندگی می‌کنند، ندارند به راحتی دست به ارتکاب جرم می‌زنند. دستگیری اتباع غیرمجاز و طرد آنها از کشور نیز یکی دیگر از عوامل کاهش وقوع جرم سرقت در پایتخت است.

همدستی مادر و پسر برای کلاهبرداری

مرد جـوان و مادرش که با اسـتفاده از نرم‌افزار رسیدسـاز دست به کلاهبرداری از فروشـندگان در شهرستان رودسر زده بودند، دستگیر شـدند. به گزارش همشهری، تحقیقات پلیس شهرستان رودسر در اسـتان گیلان برای دستگیری مادر و پسـر کلاهبردار با شـکایت ۵ نفر از مالباختگان آغاز شـد. یکی از آنها به مأموران گفت: مدتی قبل مادر و پسری وارد مغازه‌ام شـدند و اقدام به خرید کردند. بعد مدعی شدند که کارت بانکی همراهشان نیست و مرد جوان خواست که از طریق موبایل‌بانک، هزینه خریدش را پرداخت کند. من هم شماره کارتم را دادم و او پس از انجام عملیات بانکی، رسیدی را در صفحه موبایلش به من نشان داد که ثابت می‌کرد مبلغ موردنظر به‌حساب من واریز شده اسـت. من هم با توجه به نحوه حرف زدن و رفتار این مادر و پسر اعتماد کردم و آنها با خریدهایی که انجام داده بودند از مغازه خارج شدند اما هر چه منتظر ماندم، پیامک واریز وجه نیامد. برای همین حسابم را چک کردم و آنجا بود که متوجه شدم هیچ پولی به حسابم واریز نشده است. درحالی که بقیه شاکیان نیز اظهارات مشابهی را مطرح می‌کردند، دستور بازداشت مادر و پسر کلاهبردار صادر شد و با سرنخ‌های موجود، متهمان دستگیر شدند. سرهنگ سـیدجلال‌الدین جوانمردی، فرمانده انتظامی شهرسـتان رودسر گفت: متهمان مردی ۳۰ ساله به همراه مادر ۴۹ ساله‌اش هستند که در تحقیقات پلیسی به ۵ فقره کلاهبرداری از طریق رسیدساز جعلی در رودسر اعتراف کردند.